

نظرات و مباحثات حول ساختار و مضمون اتحاد

توضیح کار گروه پیشبرد مباحثات پیرامون ساختار و مضمون اتحاد

آلترناتیو آن چه باید باشد...؟

بعد از سپری شدن یک دوره بحث، در صورتیکه جمع تشخیص بدهد باندازه کافی بحث انجام گرفته و نظرات مطرح شده اند، کمیسیونی را برای جمع بندی اشتراکات نظری بر مبنای مباحث و پیشنهادهای ارائه شده، انتخاب مینماید تا پیشنویس مربوط به ساختار و مضمون اتحاد را تهیه نماید.

این پیشنویس برآمد اشتراکاتی خواهد بود از مواضع و پیشنهادات و مباحثات انجام گرفته، که از پشتوانه کار تحقیقی تئوریک و پیشنهادات و نظرات و مباحث ارائه شده توسط کلیه شرکت کنندگان و صاحب نظران احزاب، سازمانها و فعالین.... برخوردار است. بعد از اتمام و کفایت بحث به نشست ارائه و نشست در اجلاس خود آخرین اصلاحات و پیشنهادات را وارد و بعنوان سند اصلی اتحاد تصویب و منتشر میکند.

توضیح اینکه این مباحثات در دستور کار تدارک ساختاری و نظری نشست حضوری چهارم است که تا پایان امسال یا همچنان در دستور کار نمایندگان نشست احزاب و سازمانها می باشد.

از نویسندگان مقالات و ارائه کنندگان پیشنهادات تقاضا داریم در چهار چوب موضوعات فوق بحث هایشان را ارائه دهند.

کارگروه پیشبرنده مباحث ساختار و مضمون اتحاد.

25 مرداد 1395

کارگران و زحمتکشان، اعضا، کادرها و هواداران احزاب، سازمانها و نهادهای شرکت کننده در اتحاد، فعالین جنبش کمونیستی و کارگری اعم از احزاب و سازمانها و فعالین مستقل و تشکل های فراگروهی و فراحزبی بیرون از اتحاد موجود و فعالین جنبش کمونیستی و کارگری ایران

شورای نمایندگان احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست بعد از مباحث و رایزنی های متعدد درباره ساختار و مضمون اتحاد، پیشنهادی را تصویب کرد که این مباحث را بصورت علمی به بحث و تبادل نظر همه فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بگذارد تا همه اعضا و هواداران احزاب و سازمانها و نیز سایر فعالین جنبش کارگری و کمونیستی ایران به سهم خود در این مباحث شرکت کرده و در ساختمان تشکیلاتی و نظری آن مشارکت داشته باشند.

با انتشار اولین شماره بولتن مباحث مربوط به ساختار و مضمون اتحاد، از همه صاحب نظران و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی دعوت میکنیم نظرات و نقد ها و پیشنهادات خود را درباره موضوعات زیر به آدرس نشریه ارسال دارند.

۱. این اتحاد دارای چه ساختاری باید باشد (سمت گیری حزبی، اتحاد جبهه ای، اتحاد عمل پایدار و قطب چپ و یا قطب سوسیالیستی...؟)

۲. بلحاظ مضمون: هدف نهایی و برنامه مبارزاتی و پلاتفرم و

مطالب منتشر شده در این شماره به ترتیب تاریخ دریافت ...

- سیاست و تشکیلات: سیاست پشت درهای بسته .
از سوی کانون اندیشه کپنهاگ
کاوه دادگری صفحه ۲
- به رفقای کار گروه ساختار
از سوی کانون اندیشه کپنهاگ
کاوه دادگری صفحه ۴
- نظر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
درباره تعریف مضمون نشست و ساختار و ضوابط
حاکم بر فعالیت های مشترک! صفحه ۶
- مدخل بحثی پیرامون نگاه ما فعالان
(کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ)
به: کار گروه ساختار و مضمون اتحاد تدارک نشست چهارم
شورای نمایندگان احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست
(بخش اول) صفحه ۹
- به: رفقای عضو کمیسیون ساختار
نگاهی کوتاه به موقعیت واقعی اتحاد نیروهای چپ و کمونیست
از: سازمان راه کارگر صفحه ۱۱
- سازمانیابی یا آرایش قوای خویش
از: سعید سهرابی صفحه ۱۳

سیاست و تشکیلات: سیاست پشت درهای بسته

از سوی کانون اندیشه کپنهاگ
کاوه دادگری

نظریه و دیدگاهی که ساختار را نقطه شروع متحد شدن قرار می دهد، از این تجربه حرکت می کند که بیانیه سیاسی و کار کمیسیون مربوطه عملاً خاتمه یافته و به طور نظری - و می توان گفت در عمل - در همین نقطه ای که هست متوقف گردیده و به پیش نمی رود. به طور خلاصه این که بر روی این بیانیه اتفاق نظر نیست و بر این امر نمی توان بیشتر پافشاری کرد. هم چنین از آن جا که پیش انگاشت تشکل های این جمع، هدف ها و انگیزه هاشان عملاً بر سیاست های اتخاذ شده شان اثر می گذارد، یعنی با توجه به این که ساختار آلترناتیو پیش فرض آن ها عملاً از پیش اتخاذ گردیده، آن گاه مضمون سیاسی و دامنه آن تعیین و مشروط می گردد.

از سوی دیگر، اگر ما خواهان همکاری، اتحاد عمل و هماهنگی در پروژه های مشترک موقتی هستیم، همین بیانیه سیاسی کفایت می کند. این بیانیه به ساده گی از طریق آوردن "اشتراکات" و حذف "اختلافات" سامان می گیرد و تدوین می شود. و بنابراین بهترین روش، تحقق این هم اندیشی و تمرکز بر "توافقات" می باشد. آن چه که مورد درخواست برخی باشد اما با نظر دیگران هم خوانی ندارد به معنای اختلاف است و نایستی در بیانیه آورده شود؛ هم چنان که در اطلاعیه ها و اعلامیه های روتین به همین صورت عمل می شود. پس بنابراین بیانیه سیاسی ساختار خود را هم به پیش می کشد و عمق و دامنه عمل مشترک را هم دیکته می کند؛ که همان

همکاری موردی و اتحاد عمل در مواضع معین است.

جدای از انگاره های رنگین و شکوهمندی که برای قطب سوسیالیستی، چشم انداز سوسیالیستی و مانند آن آمده و از سوی نیروهای داخل نشست و بیرون از آن ابراز گردیده، بدون این که این انگاره ها سنجش و ارزیابی شوند که با چه استراتژی، و کدامین ظرفیت نظری، تشکیلاتی و ایدئولوژیکی بایستی و می توانند تحقق یابند، تا هم اکنون آن چه که در کف دست فعالین این تجمع قرار گرفته چیزی بیشتر از تعدادی انگشت شمار از اکسیون، اعلامیه مشترک و تداوم نسبی گفتگوها و پیشنهادها نبوده است. همین ها نیز از کندی فراوان، کلی گویی، دنباله روی از حوادث و سایر نقایص عملی و دیدگاهی رنج برده است.

روند حاکم بر روابط و مناسبات میان گرایش ها و تشکل های مختلف در داخل جمع، به خوبی بیان گر این موضوع است که علیرغم تمایل بخش قابل توجهی از فعالین، ظرفیت مناسبی برای فراتر رفتن از یک بیانیه سیاسی در حدود و اندازه ای که هم اکنون به طور غیر رسمی در اختیارمان هست، وجود ندارد. خودداری از امضای این بیانیه - که خود را به صورت مقاومت در مقابل علنی شدن و رسمیت یافتن و یا حتی طرح آن در بیرون نشان می دهد - به خوبی این حقیقت ناخوشایند را برملا می کند. بنابراین تا از این مرحله عبور نکنیم، تکلیف سایر موارد هم چون ساختار، سایت، گسترش ابزارهای مبارزه

ی ایدئولوژیک، انجام سایر قرارهای نشست سوم و حتی قرارهای شورای نمایندگان، یکسره نمی شود.

حال این رفقا مطرح می کنند که پیشروی در بحث بیانیه سیاسی و بسط و تکامل آن تا حد یک برنامه ی سیاسی منسجم، واجد استراتژی، تشکیلات، سبک کار و تاکتیک، مستلزم ارتقای گفتمان اتحاد عمل به چیزی بیشتر و بالاتر است یعنی مثلاً یک بلوک چپ و دموکراتیک، ساختار ویژه ی خود را می طلبد و بلوک سوسیالیستی، ساختار پیچیده تری را طلب می کند. این تناسب میان ساختار و مضمون سیاسی، میان شکل و محتوا، منطقی است؛ تنها به یک شرط که در فاز اول این استراتژی یعنی در همین مرحله اتحاد عمل، همکاری و اشتراک مساعی حول نقاط مشترک سیاسی، حداقل توانسته باشد هویت سیاسی خود را در یک بیانیه سیاسی تشخیص بخشد و آن را به عنوان حدود و مرزهای ایدئولوژیک خود در سطح جنبش کارگری و پیشروان این طبقه و نیز در میان سایر نیروهای اجتماعی در داخل و خارج از کشور به طور نسبی تبلیغ و ترویج نماید. تجربه چهار ساله نشان داده که این روند قرین موفقیت نبوده و هم اکنون پروژه اتحاد عمل و شورای نمایندگان و چند ارگان و کمیسیون دیگر، نتوانسته اند کمکی به حل این معضل نمایند و پروسه مبارزه ی ایدئولوژیک، علنی کردن مواضع شفاف سیاسی رو به جنبش به منظور مداخله گری اعضا و هواداران و دوستداران این جمع و جلب و جذب فعالین خارج و داخل کشور، عقیم و بلاموضوع مانده است.

اکنون در مقابل رفقای که بحث بر ساختار را به پیش کشیده اند و تاکید می کنند که تکلیف بیانیه سیاسی معلق

سیاست و تشکیلات: سیاست پشت درهای بسته

است و سرنوشت آن منوط به تعیین تکلیف ساختار تشکیلاتی این جمع است این پرسش قرار می‌گیرد:

اگر بخواهیم ساختار پیچیده تر، متعالی تر و تکامل یافته تری را برپا داریم چگونه قادر هستیم که گنجایش نظری و سیاسی آن را نیز به تناسب، ارتقاء دهیم و مثلاً به تجربه شکست سوسیالیسم در قرن بیستم، انواع گرایش های چپ و سوسیالیستی در تجربه کنونی جنبش کارگری، استراتژی سرنوشتی جمهوری اسلامی، آلترناتیو کمونیست ها، نحوه ی سازمان یابی و تحزب کارگری و چگونگی مداخله گری در این جنبش و جنبش های دیگر، مسایل منطقه و پاسخ به مساله ملی و حق تعیین سرنوشت، مناسبات با حکومت های رنگارنگ منطقه که هر یک برای سرکردگی و حفاظت از هستی خود به آب و آتش می زنند، قدرت های جهانی و استراتژی های آشکار و پنهان بورژوازی و ده ها مساله ی نظری سیاسی و تشکیلاتی دیگر بپردازیم؟

بر ما روشن است که همین گره گاه هایی که در مرحله فعلی و در مقیاس بسیار کلی با آن درگیر هستیم و سه نشست پیشین نتوانسته است این بار را به سرزمین مقصود برساند، از این که شانه های خود را زیر بار سنگین تری قرار دهد ناتوان است.

پیشنهاد ما به منظور ارائه ی یک تجربه عمل گرایانه عبارت است از به کارگیری روتین و روشی که هم اکنون در صدور اعلامیه ها داشته ایم:

بیانیه سیاسی فعلی را با بسط بیشتری بازنویسی کرده و سپس این متن را به میان جمع بفرستیم. اعضای شورا با نگاه داشت "اشتراکات" و حذف و مخالفت با بخش

هایی که به طور مضمونی با مواضع سازمانی شان هم خوانی ندارد در فرجه ی معینی اعلام نظر می کنند و به این روش به کمیسیونی که مسئولیت این بازسازی و تدوین را به عهده دارد امکان می دهند که در اصلاح متن، حذف و اضافه موارد پیشنهادی و دسترسی به فرمول بندی های دقیق تر و محکم تر را اعمال نمایند. به طور معمول این کمیسیون در پایان متنی را که حتی الامکان منعکس کننده همه ی نظرات جمع و محصول مداخله گری صبورانه و متکی به مواضع و نظرات سازمانی هر یک از تشکل های عضو نشست بوده، تهیه و پیشنهاد می نماید. تایید این متن نهایی شرایط را برای سندیت بخشیدن به بیانیه سیاسی فراهم می آورد. صورت نهایی متن با امضای تشکل های ذیربط می تواند علنی شود و یا به عنوان یکی از اسناد نشست چهارم در این مرحله ارائه گردد.

این روش، امر غریبی نیست و در اکثر احزاب و سازمان های سیاسی در تمام دوران جنبش کارگری و کمونیستی به همین صورت عمل گردیده است. اساساً نقادی پیش نویس های اسناد سازمانی در سنت جنبش کارگری جز با تکیه بر نظرخواهی از اعضا و فعالین که خود را در اشکال مختلفی از سازمان دهی، تشکل داده اند - حتی به صورت محفل، فراکسیون، گرایش و غیره - به تقریب به همین صورت عمل گردیده است. گرایش ها، صف بندی ها، نزدیکی ها و دوری ها و به طور نهایی اکثریت و اقلیت از درون همین روند ها بیرون می آید. این واقعی ترین، ممکن ترین و طبیعی ترین گردش کاری است که می توان برای

تدوین نهایی هر سند سازمانی به کار گرفت. طبعاً مباحث پشتوانه و روشنگر در پالتاک شورای نمایندگان، کمیسیون های ذیربط و غیره در تکمیل و دینامیسم این پروسه کارساز خواهند بود.

به این ترتیب علاوه بر آن که تدوین این دست اسناد در چارچوب کمیسیون ها محصور نمی شود، شرایطی فراهم می گردد که در همان گردش داخلی پیش نویس در میان اعضا، متن های نهایی ارزنده که حاوی اشتراکات اندیشیده شده، منسجم و تعهدآور باشد پدید آید و تدارک نظری نشست آینده به استناد و پشتوانه این متون و پیش نویس ها، راحت تر و آماده تر کار خود را آغاز و به سرانجام برساند. جوهره این روش عبارت است از تامین مشارکت و مداخله گری توده های سازمانی، فعالین جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی و پیشروان طبقه در امر ترویج و تبلیغ و شکل گیری آگاهی طبقاتی اصیل و جاندار. برنامه ی سیاسی حزب طبقاتی از درون پیگیری چنین روندی، هم پای با مبارزه جاری در جامعه شکل می گیرد و پدیدار می شود. هر سند سیاسی دیگری که از درون الیت سیاسی آغاز شود و اعلام آن به عنوان سند نهایی طبقه کارگر، به همین الیت خاتمه یابد، در عرصه ی طبقاتی محلی از اعراب ندارد و نمی تواند از ارج و اعتبار و نفوذ چندان بر خوردار شود.

بسط نکات و ملاحظات فوق می تواند به صورت زیر فشرده گردد:

گام اول (حداقلی): تدوین بیانیه سیاسی
گام دوم: پیگیری و تحقق قرارهای نشست سوم به منظور تدوین قطعنامه ها
گام سوم: تدوین برنامه (منشور سیاسی)، ملاحظات ویژه این بند جداگانه ارائه می گردد.

به رفقای کارگروه ساختار از طرف کانون اندیشه کینهاگ کاوه دادگری

ضمن قدردانی از تلاش و آماده سازی چشم اندازی که برای مباحث و روندهای پیش رو در مساله ی ساختار جمع به عمل آورده اید ، نامه ی شما و پیوست مربوط به شورای نمایندگان در جلسه کانون ما قرائت گردید و مرود بحث قرار گرفت. نکات ذیل جمع بندی رفقای کانون ما از محتوای این نامه است :

1 - به باور ما جمع نشست در مقدماتی ترین و پایه ای ترین سند خود ، بیانیه سیاسی ، کارنامه ی موفقی از خود ارائه نداده است. یعنی این که نه در تناسب با زمانی که صرف این کار کرده و نه با توجه به خطوط جمع بندی شده ، از ارائه ی یک سند استوار و راضی کننده تا همین لحظه ناتوان بوده است. مضافا این که در باره ی همین پیش نویس نیز هنوز قادر به تصمیم گیری لازم نیست و از علنی کردن آن پرهیز می کند. به این ترتیب امکان مداخله گری را به طور مطلق از سوی جنبش کارگری و چپ ناممکن می سازد و به طور نسبی مداخله گری در داخل جمع را نیز به دلیل فقدان ابزارهای مناسب - از جمله بولتن داخلی ، جلسه ی پالتاکی ویژه بیانیه ، دستورکار ماهانه شورا و غیره - از اعضای خود دریغ داشته است. نظر رفقای ما این است که اگر جمع در علنی کردن بیانیه سیاسی اقدام نکند ، به هیچ روی ضمانتی برای علنی کردن مباحث مربوط به ساختار - آن گونه که در نوشته شما آمده - در آینده نیز وجود ندارد.

2 - مضافا این که طرح واره ی شما برای مباحث مربوط به ساختار ، بسیار کشدار ، به دور از واقعیت و بی پشتوانه است.

بسیار کشدار است زیرا در ابتدا 5 ماه را برای بحث تعیین کرده اید. سپس یک کمیسیون تشکیل می شود که به جمع بندی بحث ها می پردازد. این همه زمان طولانی برای مساله ای که هم اکنون نقداً شکل های درون جمع آلترناتیوهای خود را در جیب دارند و چیزی نه کمتر و نه بیشتر از آن را متصور نیستند ، چه فایده ای دارد؟

به دور از واقعیت است چون بنا به مباحث و نظراتی که تاکنون در این زمینه از سوی اکثر رفقا ارائه شده ، عملاً برای پیگیری و جستجوی ساختار نوین و کشف ناشده ای ، انگیزه و تمایلی نیست و اساساً در بحث ساختار ، در سطح تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی مگر چه چیز کشف ناشده ای هست که رفقا را به مذاقه و مباحثه در این زمینه ترغیب کرده است؟

بی پشتوانه است ؛ زیرا تاریخچه 4 ساله این تجمع نشان می دهد که پتانسیل جمع در حد و حدود همان "اتحاد عمل" و "همکاری" موردی است و نه بیشتر. فراتر رفتن از این مرحله ، به تصور ما مورد علاقه و اشتیاق جریانات غالب بر جمع نیست.

3 - ذهنیت حاکم بر "جریانات غالب" تاکنون روشن شده است :

رفقای حزب کمونیست ایران مطابق اسناد رسمی خود در کنگره ده این حزب بر تقویت گرایش سوسیالیستی در میان کارگران و تلاش برای ایجاد قطب چپ صحبت می کنند. این رفقا در چند نوشته ای که اختصاصاً به موضوع این نشست می پردازد هم چنان بر همین موضع هستند. برای دستیابی به این هدف دو اصل

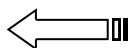
بایستی مطمع نظر قرار گیرد و پاسخ های روشن و مشترکی به آن داده شود : سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و پیگیری و تحقق تبدیل سوسیالیستی در سطح جامعه و پیشروان و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی. این دو محور البته پایه ای اساسی برای اتحاد عمل برشمرده شده است و مباحث بایستی حول چگونگی تحقق این ها پی گرفته شوند.

رفقای سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بر اساس اتحاد عمل بر مبنای توافقات و تدوین بیانیه سیاسی استوار کرده اند و مساعی خود را در همین راستا ادامه می دهند.

رفقای سازمان راه کارگر در مصوبه کنگره نوزده خود می گویند :

"در راستای تدارک برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری اسلامی می بایست همزمان برای شکل یابی تبدیل سوسیالیستی به مثابه نظام جایگزین تلاش کرد و گفتمان سرنگونی رژیم را با گفتمان کارگری و سوسیالیستی در هم آمیخت و همراه کرد. مسیر اتحاد بزرگ هواداران آزادی و سوسیالیسم از این راه می گذرد. ما بر این باوریم که فعالان ، گروه ها ، سازمان ها ، احزاب و جریان های چپ رادیکال و کمونیست بدون آنکه اختلافاتشان را حذف یا نادیده بگیرند می توانند بر اساس اشتراکات هم اکنون موجودشان دخالتگری سوسیالیستی در روند جاری و آینده ایران را فراهم آورند و رقم زنند. بدون چنین راهبردی آینده روشنی برای آزادی و برابری در ایران و حتی منطقه نمی توان تصور کرد."

رفقای سازمان فدائیان (اقلیت) در اسناد سازمانی خود از تلاش برای ایجاد حزب



به رفقای کارگروه ساختار

کمونیست ایران صحبت کرده اند و در نشست فعلی

در مجموعه ی اظهار نظر ها و پیشنهاد ها مختلفی که در سایت شورا آمده ، مطلب ویژه ای از این رفقا ندیده ایم. نوشته رفقای هسته ی اقلیت با مضمون پروژه همکاری و همگرایی در همان مقیاس اتحاد عمل است و با نکته ی بنیادین این جمع که عبارت است از همکاری روی توافقات و بحث روی اختلافات تفاوت ماهوی ندارد. بحث رفقای راه کارگر- هر دو گرایش تشکیلاتی- به همین صورت فرموله می شود.

بحث رفقای سازمان اتحاد فداییان کمونیست از وسعت و نگرشی چند وجهی و آلترناتیو های چندگانه ای برخوردار است که بایستی در فرصت دیگری به آن بپردازیم. هم چنان که رفقای دیگری در بیرون این جمع نظرات خود را به این جمع در ابتدای کار ارائه داده بوده اند که متفاوت با نگرش غالب در این جمع می باشد.

از آن جا که مبنای توافقات سیاسی نظری بر تدوین یک بیانیه سیاسی متمرکز گردیده می توان در مجموع این استنباط را کرد که ساختار مورد توجه بخش غالب عبارت است از ادامه ی همین روندی که تحت عنوان همکاری ، همگرایی و "اتحاد عمل" به صورت های اندکی متفاوت فرمول بندی شده است. از این دیدگاه "بیانیه سیاسی" کف و سقف تاکنونی توافقات و اتحاد عمل و همکاری "ساختار" این جمع را می سازد.

حزب رنجبران ایران که سازمان واحد حزبی را برای طبقه کارگر متصور هستند در نشست فعلی و در بادی امر از همین ایده دفاع کردند و آن گاه که انگیزه و پتانسیل جمع را در خوردن این ایده ندیدند از

جمع کناره گرفتند. آن ها مضمون اتحاد عمل را جبهه سازی قلمداد کردند و آن را در مقابل اصول و خط مشی کمونیستی و پرولتاری ارزیابی نمودند.

حزب کمونیست ایران (م ل م) نیز مشخصا همین ایده فوق را دنبال می کنند و حضور آنان در جمع بلا موضوع است و رسما هرگونه فعالیت متحدانه و تقسیم وظایف حداقلی روتین در جمع را از عهده خود ساقط کرده اند. مضافا این که هرگونه فعالیت مشترک و "اتحاد عمل" و همکاری را منوط به وسیع کردن عرصه ی مبارزه ی ایدئولوژیک و روشن ساختن و تعیین تکلیف با خط و مشی تشکل های حاضر در جمع می کنند. در اولویت این مبارزه ی ایدئولوژیک به دیده این رفقا اتکا به تجربه ی انقلابات سوسیالیستی پیروز و بررسی علل شکست آنان می باشد.

4- نکات برشمرده در فوق رئوس دیدگاه ما را در زمینه جمع کنونی تشکیل می دهد. در عین حال بنا به روشی که ما در قبال رویدادها اتخاذ کرده ایم، برخورد فعال و همدلانه با رفقای جمع هست و علیرغم هر انتقادی که داشته باشیم از همراهی با اقدامات و تصمیمات جمع کوتاهی نمی کنیم. از این روی نظر و برداشت خود را در زمینه ی ساختار مورد توجه و آلترناتیو سازمانی مان در خطوط مشخص و بسیار آشکار متعاقبا برای شما رفقای گرامی ارسال می کنیم.

پیروز باشید.

از طرف کانون اندیشه کپنهاگ

کاوه دادگری

06/07/2016

ادامه از صفحه ۳

سیاست و تشکیلات: سیاست پشت درهای بسته

در پایان به عنوان افزوده ای ویژه برای کمیسیون ساختار با توجه به روشی که در نوشته مان تا اندازه ای شرح داده شد، این نکات را به رفقای کمیسیون یادآور می شویم :

کمیسیون ساختار در اولین فرصت، با بررسی نظرات و دیدگاه های احزاب و سازمان ها و کانون های عضو و نیز در پرتو یادداشت های ایضاحی که تشکل ها برای کمیسیون ارسال می کنند، متن پیش نویس ساختار (1 ، 2 و یا 3 آلترناتیو) را ظرف یک ماه آینده جهت ارزیابی جمع ارائه دهند و نظرات و پیشنهادهای مکتوب هر یک از اعضای جمع را جمع آوری نمایند و در اصلاحات بعدی پیش نویس ها به کار گیرند. بحث در ارگان های شورا ، پشتوانه ی دیگری برای مداخله گری همه ی رفقا خواهد بود.

پیروز باشید.

از سوی کانون اندیشه کپنهاگ

کاوه دادگری

04/07/2016

نظر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

درباره

تعریف مضمون نشست و ساختار و ضوابط حاکم بر فعالیت های

مشترک!

هدف نشست ایجاد چه نوع اتحادی است؟

نشست احزاب و سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست تلاشی است برای ایجاد یک قطب چپ در صحنه مبارزه طبقاتی و سیاسی ایران که سوسیالیسم را به عنوان بدیل جمهوری اسلامی مطرح و برای فراهم ساختن ملزومات عملی آن پیکار می کند. همانطور که نشست دوم اعلام کرده است از نظرها، احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست در شرایط حساس و سرنوشت سازی که جامعه ما در آن به سر می برد، در برابر ارتجاع رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و طرح ها و برنامه های نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و نقشه های امپریالیستی، راه واقعی و انقلابی برای رهایی مردم ایران وجود دارد.... به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و سازمان یافته و همراهی جنبش رهایی زنان و دانشجویان و جوانان، جنبش های برابرخواه ملیت های تحت ستم ایران و دیگر جنبش های ترقی خواه و پیشرو اجتماعی تحت پرچم آلترناتیو سوسیالیستی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انهدام ماشین دولتی بورژوازی از طریق یک انقلاب اجتماعی تنها راه واقعیهانه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و مصائب نظام سرمایه داری است. طبیعی است که میان نیروهای شرکت کننده در نشست در مورد مفاهیم نظری ناظر بر ایجاد قطب چپ، موقعیت کنونی و چشم انداز آن علیرغم اشتراکات یاد شده در بالا، تفاوت و یا اختلاف تفسیر وجود داشته باشد.

این تفاوت ها و یا اختلافات از سوئی مانع از فعالیت های عملی برای شکل دادن به قطب چپ نبوده و نخواهد بود اما از سوی دیگر تردیدی نیست که بحث و تبادل نظر درباره مفهوم و مختصات قطب چپ و نزدیک شدن نقطه نظرات به هم می تواند فعالیت های مشترک میان نیروهای نشست و ارتباط با نیروها و نهادهای چپ بیرون از آن را تسهیل و گسترش دهد.

اما برای داشتن تصویر روشنی از آن که قطب چپ چیست بهتر است در وهله اول مشخص کنیم که قطب چپ چه نیست؟

اتحاد عمل: قطب چپ همایشی صرفاً برای یک سلسله اتحاد عمل ها نیست زیرا اتحاد عمل ها میان نیروها و نهادهای متشکل در نشست و یا دیگر نیروهای چپ بیرون از آن می تواند گاه و بیگاه صورت گیرد. قطب چپ نهاد مداخله مشترک در جنگ سیاسی روزمره علیه رژیم جمهوری اسلامی و بنابراین تجمعی است که می باید در حادثترین روی دادهای سیاسی مداخله نموده و از طریق افشاء منظم استبداد مذهبی و مناسبات سرمایه داری حاکم، مواضع بدیل سوسیالیست ها را در برابر وضع موجود قرار دهد. بنابراین برخلاف اتحاد عمل های موردی و مشخص مداخله سیاسی فعال، منظم و پایدار از مختصات اصلی نشست برای ایجاد قطب سوسیالیستی است.

اتحاد حزبی سازمان های چپ: قطب یا جبهه سوسیالیستی یک تشکل حزبی نیست اگر چه احزاب و سازمان های چپ و

کمونیست در آن شرکت دارند و براساس اشتراکات موجود با هم در اقدامات مشترک همکاری می کنند. طبیعی است که فعالیت و همکاری مشترک و نیز تبادل نظرهای رفیقانه پیرامون معضل نماهای جنبش چپ و کمونیست می تواند بهترین زمینه برای نزدیکی نیروها و فعالین چپ و کمونیست و ایجاد تشکل های حزبی قوی را فراهم سازد که بدون تردید خود از شرایط لازم فراهم ساختن ملزومات عملی آلترناتیو سوسیالیستی است. در شرایطی که چپ ایران هنوز دوره بحران را پشت سر نهاده، فاقد پیوند قوی با پایه طبقاتی و توده ای خود می باشد، اوضاع سیاسی هنوز در قوس برآمد و اعتلاء قرار نگرفته است تلاش برای ایجاد تشکل حزبی بزرگتر و فراگیرتر از تشکل های حزبی موجود امری زودرس است که معمولاً یا عملی نمی شود و یا نتایج معکوس به بار می آورد. اما سازمان ها و احزاب موجود در چهارچوب اتحاد می توانند فعالیت های مشترک خود را تقویت کنند و در متن این همکاری ها جریانات نزدیک به لحاظ نظری و برنامه ای با وحدت میان خود تشکل های حزبی موجود را تقویت کنند.

جبهه عمومی ضد استبدادی: قطب چپ ضمن آن که پی گیرترین نیروی مبارزه علیه استبداد بوده و قاعدهتاً باید برای همه موازین دمکراسی و آزادی، آن هم به عمیق ترین و فراگیرترین اشکال آن ها مبارزه کند اما جبهه ای صرفاً برای براندازی استبداد و یا یک جبهه عمومی ضد استبدادی نیست. زیرا بسیاری از نیروهائی که با استبداد حاکم مخالفند خود خواهان جایگزینی اشکال دیگر استبداد سیاسی به جای آن هستند و همه آن ها بدون استثناء خواهان حفظ مناسبات سرمایه داری هستند که

نظر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)...

پایگاه اقتصادی اجتماعی استبداد های پهلوی و اسلامی حاکم بر ایران بوده است. انقلاب سیاسی در ایران چنانچه خواهد بود به عرصه های اقتصادی اجتماعی فرا روید به هیچ وجه قادر به تامین مطالبات اردوی کار و زحمت و از جمله آزادی و دموکراسی نخواهد بود.

قطب چپ چیست و مختصات آن چه می باشد؟

قطب چپ همایش احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست برای عملی ساختن بدیل سوسیالیستی به عنوان جایگزین رژیم جمهوری اسلامی است. بنابراین قطب چپ نه فقط سازمان ها و احزاب چپ و کمونیست را در بر می گیرد بلکه در برگیرنده نهادهائی است که به مثابه شاخه های گوناگون جنبش های اجتماعی راه حل خروج از بحران کنونی را در بدیل سوسیالیستی جستجو می کنند. طبعاً جنبش کارگری (که دربرگیرنده همه اجزاء اردوی کار و زحمت و جنبش های آن ها مانند کارگران بخش های صنعتی، خدمات، معلمان، پرستاران و...) و تشکل های فعال در آن که کنشگر اصلی بدیل سوسیالیستی هستند در این میان از اهمیت تعیین کننده ای برخوردارند. نهادهای مربوط جنبش زنان، جوانان، جنبش های برابری خواه ملیت های تحت ستم، جنبش اهل قلم و هنر، جنبش زیست محیطی، جنبش های مترقی مبارزه برای حقوق بشر، حقوق مدنی و شهروندی... نیز از جمله همین نهادها می باشند. قطب چپ استقلال این نهادها و فعالیت های آن ها را به رسمیت شناخته و پای بندی عمیق خود را به استقلال این نهادها به عنوان یکی از اصول خدشه ناپذیر

قطب چپ قلمداد می کند. حضور نهادها در نشست ترجمان اعتقاد به حیاتی بودن پیوند جنبش سوسیالیستی با جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی است. بنابراین هدف نشست ایجاد اتحادی است که جنبش جنبش های موجود برای نقطه پایان نهادن به فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران و برقراری بدیل سوسیالیستی باشد.

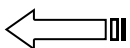
قطب چپ و نقش حیاتی فعالیت های نظری**درکنار فعالیت های مشترک عملی**

درکنار فعالیت های عملی مشترک، مباحثات علنی رفیقانه پیرامون اختلافات به قصد ارتقاء اشتراکات از مبانی اصلی این همایش است. زیرا تلاش برای ایجاد یک اتحاد یا قطب سوسیالیستی در جامعه ایران همچنین پاسخی است به بحران های جنبش سوسیالیستی و کارگری در جهان و ایران که حاصل شکست تجربه حزب- دولت های کمونیستی قرن بیستم و تأثیر آن در برانگیختن یکی از حادثترین بحران های تمامی تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری هست. پراکندگی عناصر تشکیل دهنده جنبش سوسیالیستی، ضعف و یا خلاء پیوند آن ها با جنبش های اجتماعی مخلوق، از جنبش کارگری گرفته تا جنبش زنان، جوانان، جنبش های برابری خواه ملیت های تحت ستم، جنبش زیست محیطی، جنبش های مترقی مبارزه برای حقوق بشر، حقوق مدنی و شهروندی...، از پی آمدهای این بحران می باشد. از همین رو تلاش برای همگرایی عناصر پراکنده، تجدید آرایش صفوف جنبش کمونیستی و کارگری و ظهور آن در صحنه سیاسی به عنوان یک بدیل واقعی برای رهائی علاوه بر فعالیت های مشترک عملی منظم و پایدار بدون

بازنگری نظری وجوه اصلی و محوری بحران، جمع بندی تجربه شکست های چپ جهانی و نیروهای چپ در ایران و بازگشت به اصول پایه ای سوسیالیسم مارکسی نمی تواند جامه عمل به خود بپوشد. سوسیالیسمی که برخلاف تجربه حزب- دولت ها ترجمان حاکمیت اردوی کار و زحمت به وسیله خود اردوی و زحمت و بنابراین متضمن عمیق ترین اشکال دموکراسی مشارکتی است که از تعریف سوسیالیسم مارکسی جدائی ناپذیر است.

رویکرد قطب چپ در باره نیروهای دیگر**خارج از اتحاد**

قطب چپ در همان حال نمی خواهد یک فرقه جدید و بزرگ در میان فرقه های موجود چپ باشد. بنابراین به لحاظ نظری قطب چپ تکرر در جنبش سوسیالیستی و کارگری به معنای تعدد احزاب کارگری و سوسیالیستی را یک اصل غیرقابل انکار تلقی کرده و بر خلاف اصل «یا با من یا علیه من» پذیرش تعدد احزاب سوسیالیستی و کارگری بر آن است که بخشی از نیروهای چپ (اعم از احزاب و سازمان ها، تشکل ها و فعالین مستقل) که مانند ما خواهان سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با آلترناتیو سوسیالیستی هستند ممکن است به دلایل گوناگون به این اتحاد نه پیوندند. اما این امر نباید به معنای نفی آن ها به عنوان نیروهای متحد ما و اتحادهای آتی با آن ها باشد. در عرصه عملی نیز قطب چپ باید همواره تلاش کند تا در اشکال ممکن و موثر مشارکت در فعالیت های عملی و نظری با طیف خارج از اتحاد را تسهیل نماید.

مبانی ورود به نشست

نظر سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)...

شورا فراهم آید و به همین روال کنونی عمل شود.

۳، درسایر موارد روتین که در باره آنها اختلافی وجود ندارد ارگان انتشار دهنده اعلامیه و یا فراخوان دهنده آکسیون های مشترک هیئت هماهنگی می باشد. روال انتشار به قرار زیر باشد:

الف- متن اعلامیه ها و فراخوان ها حتی المقدور کوتاه و مطلب مختصر و مفید باشد.

ب- در هیئت هماهنگی اتفاق آراء درباره آن وجود داشته باشد.

ج - متن پیش نویس با فاصله ای که هیئت هماهنگی مناسب می داند به داخل شورا ارسال و از اعضای شورا خواسته شود که اگر توصیه و یا اصلاحیه ای دارند برای هیئت هماهنگی ارسال کنند. اگر توصیه یا اصلاحیه ای دریافت شد قبول یا رد آن در صلاحیت هیئت هماهنگی است.

د - در پائین اعلامیه متنی مشابه متن زیر نوشته شود. "نشست احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست در ۴ تیرماه ۱۳۹۱ با برگزاری اولین نشست خود تاسیس شد. مسئولیت اعلامیه های امضاء شده توسط هیئت هماهنگی با این نهاد است و ضرورتاً به معنای تائید همه اعضای شورای نمایندگان نیست. برای اطلاعات بیشتر به سایت شورای نمایندگان نشست به آدرس زیر مراجعه شود.

<http://shoora-namayandegan.org>

چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۵ برابر با ۲۷

جولای ۲۰۱۶

خود برای شرکت در جلسات ماهانه یا اضطراری شورای نمایندگان معرفی می کنند. هر نیروی شرکت کننده در جلسات دارای یک رای قطعی می باشد و عضو دیگر می تواند نگاه مشورتی خود را طرح و در بحث ها به شکل برابر شرکت نماید. در صورت نیاز به رای گیری درباره دستور جلسات و سایر موارد مورد توافق هر عضو اتحاد دارای یک رای قطعی است.

هیئت هماهنگی!

در فاصله جلسات شورای نمایندگان هیئت هماهنگی امور مربوط به هماهنگی فعالیت های اتحاد و مصوبات مورد توافق شورای نمایندگان را هدایت می کند. ترکیب هیئت هماهنگی به شکل گردشی و به نوبت با شرکت اعضای اتحاد تشکیل می شود. طول دوره هیئت هماهنگی توسط شورای نمایندگان تشکیل می شود.

مقررات نوشتن اعلامیه ها و فراخواندن

آکسیون ها!

1، اعلامیه های مهم مانند اول ماه مه، هشتم مارس، سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی به روال کنونی ادامه خواهد داشت. هیئت های هماهنگی مانند سال پشت سر گذاشته شده؛ باید لااقل دو ماه قبل از موعد به فکر تهیه پیش نویس و قطعی کردن متن اعلامیه باشند تا اعلامیه های فوق به موقع و کار شده و با فاصله زمانی قابل قبول انتشار بیرونی یابد.

2، در مورد اعلامیه هایی که در آن مضمون اختلاف بر انگیز است نظیر معلمان و دستمزد ها و غیره باید متن اعلامیه ها بر پایه اشتراکات مورد پذیرش جمع

برای آن که بیشترین نیروها در قطب چپ گرد هم آیند باید اصول تشکیل دهنده قطب چپ به عنوان مبنای همکاری بر روی حداقل ممکن استوار باشد. دو اصل سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تبدیل سوسیالیستی که از بدو تشکیل نشست مبنای عضویت در آن را تشکیل داده اند باید همچنان مبنای پایه ای عضویت و همکاری نیروهای عضو نشست باشند. طبیعی است که نیروهای نشست در واکنش به روی دادهای سیاسی تحلیل ها، بیانیه ها و اشتراکات خود را در عرصه های گوناگون تدوین و منتشر کنند اما برای ورود به نشست شورای نمایندگان، ضمن استقبال از ورود نیروهای تازه وارد، مبنا باید همان دو اصل یاد شده در بالا باشد.

ساختار نشست!

ساختار اتحاد از نشست عمومی اتحاد، شورای نمایندگان و هیئت هماهنگی تشکیل می شود.

نشست عمومی!

نشست عمومی حضوری بالاترین ارگان تصمیم گیری اتحاد است که با فراخوان شورای نمایندگان و با تعیین دستور کار آن و تهیه اسناد لازم تشکیل می شود. نشست عمومی ارگان صلاحیت دار اتحاد درباره ساختار و تکوین آن، پیش برد فعالیت ها و انتشار بیانیه ها و سایر اسناد لازم است. کلیه تصمیمات نشست بر اساس اتفاق آراء اتخاذ می شود.

شورای نمایندگان!

در فاصله نشست های عمومی، شورای نمایندگان با تشکیل جلسات ماهانه امور اتحاد را هدایت می کند. کلیه اعضای اتحاد، مجازند دو رفیق خود را به عنوان نماینده

مدخل بحثی پیرامون

نگاه ما فعالان (کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ) به : کار گروه ساختار و مضمون اتحاد تدارک نشست چهارم شورای نمایندگان احزاب ، سازمان ها و نهاد های چپ و کمونیست (بخش اول)

رفقای گرامی

در سال ۲۰۱۲ به همت تعدادی از رفقا اولین نشست احزاب ، سازمانها و نیروهای چپ و کمونیست با امضای ۲۴ جریان با هدف ایجاد آلترناتیو و یا قطب چپ در جامعه بحران زده ایران، در شهر کلن (آلمان) تشکیل شد.

در این نشست ، اولین توافقی که صورت گرفت این بود که پایه اشتراکات این جمع و احیاناً نیروهای دیگری که در آینده این جمع را کامل خواهند کرد، باور و پذیرش به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و قبول آلترناتیو سوسیالیستی می باشد.

به گمان ما غیرقابل باور است اگر بگوئیم ، نیروئی از نیروهای نشست در آن تاریخ از مواضع احزاب و سازمانهای شرکت کننده در این نشست بی اطلاع بوده اند. این به آن معنی است که این دو مؤلفه کف و حد اقل اشتراکات کل نیروهای این نشست است اما به این معنی نیست که این نیروها اشتراکات دیگری ندارند و یا نمی توانند داشته باشند.

دومین توافق اصولی دیگری که در آن نشست حاصل گشت، پذیرش اصل حرکت بر اساس اشتراکات و در کنار آن بحث های سازنده در مورد اختلافات بود. پذیرش چنین اصلی به شکل انکار ناپذیری در میان جمع، یعنی پذیرش حق وتوی همگانی.

رفقای گرامی، پذیرش این دو اصل که بن مایه حرکت این نشست را تشکیل می دهد به این معنی است که اگر در سندی مثلاً اگر قرار است از آلترناتیو سوسیالیستی سخنی

به میان آید چنانچه هر یک از نیرو ها توافقی با آن نداشته باشد یا آن سخن در حد توافق اصلاح گردد یا اگر اصلاح شدنی نیست به همان کف توافق یعنی آلترناتیو سوسیالیستی بطور عام و بدون تعریف بسنده شود.

رفقا اگر ما این اصول را نخواهیم بپذیریم یا باید بگوئیم که از ابتدا و هنگام پذیرش این دو اصل پایه ای، چنین برداشتی را نمی توانستیم از این دو اصل داشته باشیم و یا می بایستی افکار دیگری را در سر می پروراندیم ، این امر امروز نوعی نقض غرض تلقی می گردد.

یکی از اساسی ترین توافقاتی که در اولین نشست وجود داشت، جذب سایر نیروهایی که باور و توافق به دو اصل پایه ای این نشست داشتند، و در بیرون از جمع اتحاد ما حضور داشتند ، بشمار می رفت و به همین خاطر هم نشست کلن، نام تدارکاتی به خود گرفت.

به باور ما و تا آغاز نشست سوم فرانکفورت (آلمان)، بن مایه این اتحاد، حرکت رو به جلو آن بود ، حرکت بر پایه اصل توافق شده اشتراکات و تلاش در جهت جذب نیروهای جدید هم خانواده چپ بیرون از اتحاد ما.

نگاهی مختصر به کارنامه این اتحاد پس از چهار سال در آستانه چهارمین نشست، نشان از ریزش عملی هفت جریان (حزب کمونیست م- ل- م هم عملاً در میان این هفت جریان قرار می گیرد) ، ایجاد یک سایت تقریباً بی ضریب مراجعه غیر خودی ، چند حرکت محدود عملی ، صرف کردن صدها

ساعت وقت بی نتیجه برای تنظیم یک بیانیه و در نهایت صدور تعدادی اطلاعیه و بس. آیا هدف ما از این اتحاد چپ ، همین ها بوده است ؟ آیا در این مدت و به خصوص پس از نشست سوم تا به امروز نگاهی نقادانه به عملکرد خود داشته ایم ؟ کدام یک از ما فکر می کند که حتی یک قدم به قطب چپ یا آلترناتیو شدن نزدیک شده ایم؟

رفقای عزیز، بنظر ما علیرغم اینکه مباحث نظری و ایدئولوژیک در کنار حرکت های عملی، امری لازم و ضروری است اما گاهی اشتها برای به اثبات رساندن حقانیت نظری نزد بعضی از احزاب و سازمانها بقدری زیاد است که تمامی اهداف دیگر را زیر سایه سنگین خود قرار داده چنانکه تو گوئی از ابتدا قرار بر این بوده است که هدف از این نشست تشکیل حزبی واحد باشد. سنگینی این سایه تا به حدی است که پس از نزدیک به دو سال و صرف صدها ساعت وقت این نشست قادر به تنظیم یک بیانیه سیاسی مشترک نشده است و این در حالی است که در هر دو نشست اول و دوم و در همان دو روز برگزاری نشست ، موفق به صدور بیانیه مشترک شده بودیم.

رفقای عزیز، بنظر ما این اتحاد در حال حاضر به جز برگزاری سخنرانیهای پالتاکی در یک بی عملی صرف بسر می برد که اگر ما نتوانیم به این بی عملی فائق آئیم و در نشست چهارم هم راه حلی برای بیرون رفت از این بی عملی بیابیم ، ما در ادامه حضورمان با این اتحاد تجدید نظر خواهیم کرد . این به هیچ عنوان ، به منزله تهدید نیست بلکه به نظر ما این مسئله در صورت ادامه این بی عملی ، سرنوشت محتوم این اتحاد است و دیر یا زود نیروهای دیگر این اتحاد هم به چنین درکی خواهند رسید به

ویژه در سطح نهادهای مستقل ←

نگاه ما فعالان (کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ)

غیر حزبی و سازمانی که در نشست موجود حضور دارند. این مسئله شاید مورد پسند و خوشایند احزاب و سازمانهای قرارگیر که از ابتدا نیز خواهان شرکت این نیروها در این اتحاد نبودند اما به هر حال نباید فراموش کرد که این ریزش بخصوص در میان نیروهای چپ با واکنش مثبتی همراه خواهد بود.

رفقا، بنظر ما تا زمانی که منافع حزبی و سازمانی بر منافع این اتحاد ارجعیت دارد، هیچ پیشرفتی در جهت آلترناتیو و یا قطب چپ شدن این اتحاد صورت نخواهد گرفت حتی اگر این اتحاد بسوی حرکات عملی هم گامهای زیادی بردارد. برای اینکه مقصود خود را کمی روشنتر بیان کنیم با مثال ساده ای شروع می کنیم. پس از نشست سوم جمع تصمیم به ایجاد یک سایت برای این اتحاد می گیرد که فکرمی کنیم، تصمیم بسیار بجائی هم بوده است. این در شرایطی است که حد اقل تمامی احزاب و سازمانها در این اتحاد دارای سایتهای متعددی هستند که بطور دائم به روز هم می شوند این بدان معنی است که در تمام این احزاب و سازمانها کادر کافی برای راه اندازی و بهره برداری بهینه وجود دارد در حالی که سایت شورا می بایستی با یک کادر متخصص اداره شود و امروز هم که آن یک نفرمایل به ادامه همکاری در این زمینه نیست، کسی وجود ندارد که سایت را تحویل بگیرد. در شهری در یکی از کشورها جریانی از این اتحاد فراخوانی برای یک نشست یا امر دیگری صادر می کند، می بینیم که این جریان توانسته است مثلاً ۲۰ نفر یا با بیش از این نیروهای خود را با این فراخوان همراه کند اما وقتی بطور مثال

فراخوانی از طرف شورا صادر می شود در همان شهر که چهار جریان از داخل این اتحاد وجود دارند، می بینیم که از همان جریان بیش از سه یا چهار نفر حضور ندارند این تفاوت به اندازه ای چشمگیر است که هیچ بهانه ای نمی تواند توجیه کننده عدم حضور سه چهارم یا حتی چهارپنجم از نیروهای آن جریان باشد مگر آنکه بپذیریم منافع حزبی آن جریان بر منافع این اتحاد ارجعیت دارد.

رفقا مطرح کردن این اتحاد به عنوان آلترناتیو و یا قطب چپ نیاز به حضور مستمر این اتحاد در جامعه دارد که آنهم با دادن چند اطلاعیه در سال امکان پذیر نیست. بنظر ما فعال کردن سایت، راه اندازی کانال تلویزیونی، راه اندازی رادیو، راه اندازی نشریه الکترونیکی و فعال کردن بولتن از ابزار لازم برای تبلیغ و ترویج و به نمایش گذاردن فعالیتهاى عملی آتی این اتحاد خواهد بود. این ابزار همانگونه که قبلاً هم اشاره کردیم، هنگامی می توانند کار ساز باشند که به دور از منافع حزبی، سازمانی و جریانی نیروهای درون این اتحاد و با امکانات حد اکثری تدارکاتی، مالی و معنوی نیروهای درون اتحاد همراه باشند. همراه با این ابزار، کوشش در جهت همراه کردن خیل عظیم نیروهاى چپ و کمونیست با پذیرفتن همان دو اصل پایه ای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و آلترناتیو سوسیالیستی از ملزومات این اتحاد بشمار می آید. این مهم ممکن نمی گردد، مگر آنگاه که احزاب و سازمان های این اتحاد، نیروهای متشکل در درون انجمن ها و کانون های مستقل فراحزبی، فرا سازمانی و فراگروهی را حیات خلوت خود

نپندارند. از یکسو، موجودیت آنها را با هر تعداد نیروی درون شان به رسمیت بشناسند. و از سوی دیگر، نیروی عظیم چپ جوان معتقد به تجدید آرایش مارکسی، که امروز بشکل چپ مستقل و منفرد و باورمند به مبارزه طبقاتی که - به هر دلیل ممکنى خاصه انقطاع نسل ها -، نقد بر احزاب و سازمان های چپ موجود را ملازمه کار و بافت همکاری و همگرایی و ادامه کاری خود با ما می شناسند را نیز به رسمیت بشناسیم و با تقویت سر پل های اعتماد سازی منطقی و معقول در راستای نزدیکی هر چه بیشتر یکدیگر و با آنان حرکت کنیم!

در همین مقوله، دوری گزینی از فرقه گرایی مرسوم، انحصارطلبی های شناخته شده، تنگ نظری های معمول در میان ما، چنانچه رخت برنبد و ما نخواهیم با سعه ی صدر و روحیه ی فراگیرنده ی همه نیروهای موجود چپ بیرون خودمان، در این مرحله همراه نگردیم، راه بجایی نخواهیم برد. از نظر ما هدف نمی تواند وسیله را توجیه کند!

در نهایت بنظر ما ایجاد یک کانال ارتباطی افقی - برای حذف تمامی واسطه های فی مابین - میان نیروهای داخل این اتحاد، می تواند در همکاری ها و پیشبرد حرکت های آتی این اتحاد نقش سازنده ای را برای تقویت و تحکیم رابطه ها و دخالتگری تمامی نیروهای درون اتحاد، ایفا نماید به این معنا که ایمیل گروهی تشکیل و از بالاترین رده های تشکیلاتی اتحاد چپ ما تا پائین ترین شان در این ایمیل گروپ، عضویت داشته باشند. بدین ترتیب تمامی نامه های رد و بدل شده و تمامی درخواستهای کمک های کاری در آن واحد و همزمان و بدون واسطه به دست تمامی افرادی که در چهارچوب این

نگاه ما فعالان (کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ) ...

اتحاد قرار دارند، رسیده می تواند در پیشبرد کارها و سرعت بخشیدن به آنها بسیار سازنده و کارساز باشد، البته چگونگی کارکرد این ایمیل گروپ برای پرهیز از بوجود آمدن مشکلات احتمالی آتی، می بایستی که مورد بحث قرار گیرد.

بنظر ما اجلاس چهارم بایستی در وحله نخست اقدام به قطعیت بخشیدن بن مایه این اتحاد یعنی حرکت در چهارچوب اشتراکات و پذیرش اختلافات تا همان کف و حداقل مصوبه نشست اول و بحث در مورد ساختار برای چگونگی حرکت های عملی و چگونگی پیشبرد آن را در دستور کار خود قرار دهد. ما بر آنیم که اساساً احزاب و سازمانهای درون این اتحاد نیروی عظیم چپ های غیر سازمانی مستقل و پراکنده را نمی بیند و یا کمتری بینند و به همین دلیل از اولین نشست تا به امروز نه تنها نیروئی از این بخش عظیم جذب این اتحاد نشده بلکه به هر دلیل ممکن ریزشی هم از این نیروها داشته ایم. بنا بر این پشت سرگذااردن این معضل در دستور نشست چهارم، می بایستی از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد.

ما در این باب و برای باز نمودن نقشه عمل مشترک مان، باز هم خواهیم نوشت (ادامه دارد)

دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۵ برابر با ۰۸ اگوست ۲۰۱۶

از: سازمان راه کارگر

به: رفقای عضو کمیسیون ساختار

نگاهی کوتاه به موقعیت واقعی اتحاد نیروهای چپ و کمونیست

سیاسی چپ و نحوه شکل گیری آن و دیگر پروبلماتیکهای ضروری مربوط به جنبش طبقاتی کارگران و سمت و سوی سازمانیابی آنان و سایر موضوعهای کلان و راهبردی.

2- همکاری و همراهی از سطوح ساده تر از نوع اتحاد عملهای موردی:

الف- انتشار اطلاعیه های مشترک که به نوبه ی خود میتواند تاثیر مثبتی از منظر همکاری بین چپهای رادیکال، فضای سیاسی ایران را تحت تاثیر قرار دهد و در سطح معینی برای جنبش طبقاتی دلگرمهایی ایجاد کند.

ب- سازماندهی اقدامات مشترک حول مهمترین مسائل ایران و جهان به منظور هماهنگ کردن فعالیتهای ما علیه ارتجاع داخلی و بین المللی. اقدامات مشترک فوق میتواند در داخل ایران یا در شهرها و کشورهای محل زیست تبعیدیان صورت گیرد....»

و یا در جریان « بلوک » شدن پیشرفت کار کمیسیون تدوین بیانیه سیاسی، از جمله آورده بودیم:

«... ما از همان آغاز همکاری ها -

حتی قبل از اولین نشست بیست و پنج جریا ن - به تکرار اعلام داشته بودیم که تا شکل گیری وانسجام این تجمع متنوع و نو پا، بوجود آمدن اعتماد متقابل

وزبان مشترک و توافق ما بین احزاب، سازمان ها، و نهادها؛ با «پلا تفرم سا زی» موافقت نداریم. قرار بود در چهار چوب «توافقات» همکاری و اقدام کنیم

و «اختلافات» خود را

برای شفافیت بخشیدن به بحث جاری، ابتدا لازم است دیدگاه ما در باره ویژگیهای این اتحاد، و وظایف آن را برای چندمین بار هم که شده، در این جا بیآوریم:

ما طی سالهای همکاری با هم از طریق نمایندگان سازمانمان علاوه بر توضیحات صوتی و تصویری - که اسنادش هم موجود است -، در اولین نشست نیروهای چپ و کمونیست؛ سندی را به نشست ارائه کرده ایم که بخشی از آن را در زیر باز نشر می کنیم:

«... روشن است که وجود این اشتراکات به تنهایی نمیتواند به شکل گیری قطب سیاسی چپ بیانجامد. بی اعتمادی ها، سوء تفاهم ها، تفرقه ها، جداسری ها، انشعابات، اختلافات سیاسی، تشکیلاتی و حتی فردی و... بر زمینه فقدان دیالوگ مستمر و هدفمند، با دیدگاهها و روشهای گوناگون سیاسی و اجتماعی و..، امر همکاری بین نیروهای چپ انقلابی را برای شکلدهی یک قطب سیاسی اجتماعی دچار مشکل کرده است. با وجود همه این نکات منفی اما، چپ برای اینکه بتواند به نیرویی تاثیرگذار، در فضای سیاسی ایران مبدل شود، چاره و راه حلی جز غلبه بر این پراکندگی ندارد.

برای این که بتوان از این گردنه سخت و سرنوشت ساز عبور کرد بهتر است با گامهای سنجیده و با صبر و بردباری قدم برداریم و انتظارات مان را از نشست آتی واقعی کنیم.

برای تحقق این امر:

1- ادامه گفتگوها و مباحثات، و سازماندهی سمینارهای هدفمند علنی حول ایجاد قطب

نگاهی کوتاه به موقعیت واقعی اتحاد نیروهای چپ و کمونیست

آشکارا و با مشارکت همه فعالان کمونیستی بصورت کتبی و یا از طریق برگزاری سمینارها، پالنتاک و سایر رسانه های صوتی و تصویری به منظور نزد یک شدن و پیدا کردن نگاهی مشترک به بحث بگذا ریم. در این مسیر برای تهیه پلا تفرمی که قطب چپ را نمایندگی کند و گفتمان سوسیالیستی و کمونیستی طیف چپ را که گفتمان کارگری و کمونیستی است در مقابل سایر گفتمان های غیر کارگری و طیف های رنگارنگ بورژوازی به میدان بیاورد کار کنیم و چنانکه آمد سایر فعالین چپ و کمونیستی بیرون از خودمان را هم به یاری بگیریم...»

در کنگره نوزده سازمان هم - چنانکه رفیق کاوه هم بر آن اشاره دارد - ، بر ضرورت انکار ناپذیر و فوری اتحاد نیروهای چپ و کمونیست تاکید کردیم :

"در راستای تدارک برای سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری اسلامی می‌بایست همزمان برای تشکیل یابی بدیل سوسیالیستی به مثابه نظام جایگزین تلاش کرد و گفتمان سرنگونی رژیم را با گفتمان کارگری و سوسیالیستی در هم آمیخت و همراه کرد. مسیر اتحاد بزرگ هواداران آزادی و سوسیالیسم از این راه می گذرد. ما بر این باوریم که فعالان، گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب و جریان‌های چپ رادیکال و کمونیست بدون آنکه اختلافاتشان را حذف و یا نادیده بگیرند می‌توانند بر اساس اشتراکات هم اکنون موجودشان دخالتگری سوسیالیستی در روند جاری و آینده ایران را فراهم آورند و رقم زنند. بدون چنین راهبردی آینده روشنی برای آزادی و

برابری در ایران و حتی منطقه نمی توان تصور کرد".

منطق و پایه همکاری ما هم بسیار روشن و شفاف و در عین حال ساده است : مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم مذهبی و سرمایه داری حاکم در ایران و عبور از سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم به مثابه تنها آلتر ناتو واقعی از طریق ایجاد یک بلوک یا قطب چپ و کمونیستی و بردن گفتمان کارگری - سوسیالیستی به میان « اکثریت عظیم «و تبدیل آن به گفتمانی مسلط و در حاشیه بردن تمام گفتمان های بورژوازی و خرده بورژوازی و رفرمیسم رنگارنگ موجود و مسلط.

این دو اصل ، به عنوان پایه اتحاد ما در نشست اول مصوب شد و یارگیری از سازمان ها و احزاب و نهاد ها و حتی افراد چپ و کمونیست بیرون از اتحاد هم متکی شد بر همین دو پایه .

از این به بعد «اشتراکات» مبنای کار ما قرار گرفت و به اتفاق آرا مقرر شد اختلافات در اشکال مختلف (سمینار ، پالنتاک ، سایت و هر امکان دیگر) به بحث گفتگوی درونی و بیرونی گذاشته شود صد البته رفیقانه با هدف نزدیک شدن و نه بصورت فرقه گرایانه و سکتاریستی رایج و پرنسیپ سازی های مصنوعی برای کنار زدن یا منزوی کردن نیروی مخالف.

یعنی اقدام بر مبنای توافقات و اشتراکات ، و سازماندهی مبارزه نظری حول اختلافات آن هم به شکلی رفیقانه و به قصد وصل کردن نه فصل کردن .

با آنکه در دو نشست اول دستاورد های با ارزشی داشتیم که مرتب کوشیده می شود بی بهایش کنند ، اما ما و با تاسف بسیار

فزون خواهی در برخی از نیروها بالا گرفت و مدعیان کوشیدند اتحاد را در «حد اکثر «طلبی خود به جلو برانند !!! و بنابر این کشاکش و فرسایش آغاز شد و این خود را بویژه در مناقشات کمیسیون سیاسی بیش از جاهای دیگر نشان داد و به مرور در تدوین اطلاعیه ها و اعلامیه ها هم این کشاکش نظری گسترش یافت !

بسیار خوب . ما که با آغازی هدفمند و با تکیه بر توافقات و با دوری از فزونخواهی، هم خود امیدوار شده بودیم و هم در بیرون امید آفریدیم؛ امروزه ببینیم به کجا رسیده ایم!!!:

کار تدوین بیانیه سیاسی پس از سه سال تلاش و کشاکش به جایی نرسیده . شتاب اعلامیه ها کند شده . اقدامات عملی به صفر رسیده . تلاش برای زدن رسانه سراسری چپ بویژه تلویزیون در همان کلی گویی های اولیه بلوکه شده . مداخله سازمانگرا نه و خلاق در داخل و با جنبش طبقاتی ، مدنی و اجتماعی عملا از دستور خارج شده . جذب نیرو نه تنها متوقف شده که در خود اتحاد هم ، روند ریزش نیروها کم و بیش شتاب گرفته و کم کم ، این جا و آنجا کار به تخریب های فردی هم کشیده شده است !!

چرا ئی این "ماند" از کجاست رفقا؟ هر نیرویی شاید پاسخ - اگر نگوییم توجیه - خودش را دارد. از نظر ما وضعیت موجود حاصل اهداف و جهت گیری های متفاوت ، متضاد و بعضا فرقه گرایانه و سکتاریستی احزاب و سازمان ها است و نه همه نهادها که اکثرشان در یارگیری ها و اظهار نظرها بسوی مادر کشیده شده اند. اهدافی چون حضور سازمان یافته در داخل ، ایجاد حزب واحد ، جبهه متحد ، قطب چپ از طریق اتحادی فشرده و حزبی، زدن تشکیلاتی سفت به عنوان نیروی

سازمانیابی یا آرایش قوای خویش

سعید سهرابی

آرایش قوا امری دلبخواهی و در خود نیست. کسانی که در شرایط اساساً متفاوت آرایشی یکسان یابند به زحمت خواهند توانست این آرایش نامتناسب را نگهدارند. دیر یا زود این آرایش نامناسب با شرایط به بحران دچار میشود و درهم خواهد شکست. از سوی دیگر آرایش باید بتواند در راستای هدف معین پاسخگو باشد در غیر اینصورت رفته رفته شکل و اهداف متناسب خویش را به هدف تحمیل میکند. مثلاً آرایشی که دخالتگری اعضایش را در تصمیمات و عمل به صفر رسانده است نمی تواند تدارک حاکمیت بر سرنوشت خویش را عملی کند حتی اگر این هدف را سرلوحه کار خویش اعلام کند و مدعی آزادی، انتقاد و تحمل نقد عملکرد خویش باشد. در تطابق با شرایط مبارزه بعنوان مثال مخفی کاری در شرایط سرکوب یا دیکتاتوری مطلق تحمیل شرایط مبارزه تلقی میشود و یکی از راههای مقابله و ادامه کاری است. بدینسان شرط های متعددی بر آرایش قوا حاکم است.

آرایش قوا باید متناسب با شرایط و اهداف عمل مشترک باشد. شرایط حاکم بر مبارزه طبقاتی در لحظه کنونی و از مدتها قبل پراکندگی در صف مبارزه علیه سرمایه است. در کلی ترین تعریف عدم تطابق با ملزومات مبارزه طبقاتی جاری شکل های تاکتونی را درهم شکسته و متلاشی کرده است. سالهاست این تجزیه به آحاد پروسه خود را به تمامی وبدون وقفه در سطح جهانی طی نموده است. اماکنون طلایه های تمایل بسوی همگرایی روز بروز قوت میگیرد. نیاز به تشکل در مقابل حملات بی وقفه و سهمگین طبقه حاکم به اشکال مختلف بروز میکند. اقدام برای پاسخگویی به این

نگاهی کوتاه به موقعیت واقعی اتحاد نیروهای چپ و کمونیست

آلتر ناتویو، شتاب برای رسیدن به اتحاد های پایه ای، اتحاد عمل پایدار و سر انجام اتحاد عمل های موردی...

به هر کدام از ماها که اشاره شود، برآشفته خود را کنار می کشیم و بغل دستی را نشان خواهیم داد.

شما رفقای درون اتحاد می دانید که باور سازمان ما از نخست این بوده است: با توجه به تجربیات شکست خورده تاکتونی و انبوهی از مشکلات نظری و گروهی بین نیرو های موجود، هر سطحی از شتاب نسنجیده و فرقه ای و تشکیلات زنی نالازم، بجای فشرده کردن صفوف این اتحاد، به تجزیه و تلاشی آن می انجامد.

همه میدانند که برای جلو گیری از همین عواقب نامطلوب، ما مدام بر تشکیلاتی «ژلاتینی» تاکید داشته و داریم. امری که گاه به مزاح رفقا منجر می شد! ما در این شرایط به ساختار شلی نیاز داریم که نیروها بر احوالی بتوانند از درون اتحاد بروند و باز گردند. در اتحاد همواره باز باشد برای نیروهای چپ و کمونیستی که دو شرط پایه ای را پذیرفته اند. روندی آرام که به مرور در پرتو کار جمعی و آب شدن یخ بدبینی ها و کج بینی ها و سویی تفاهات، و با تکیه بر نتایج مباحثات نظری روی اختلافات و نزدیک شدن طبیعی نیروهای درون اتحاد بهم و نه مصنوعی و زورکی و قرار دادی؛ بتوانیم به نقطه ای برسیم که زبان مشترک و نگاه مشترک و مسیر مشترک و تعریف مشترک از مقولات پیدا کنیم و به تبع آن ساختار لازم را شکل دهیم.

ساختار ما باید تابع این روند و زایمان بی درد باشد. روندی که یک اتحاد سفت و قابل دوام را "درروند" ممکن کند. نباید از حول حلیم افتاد توی دیگ!!! که بنظر می رسد داریم می افتیم!

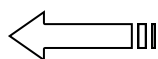
بنابر این منطق و پایه اتحاد و اقدام ما می بایست بر مبنای «اشتراکات» آنها در ساختاری منعطف و ژلاتینی، بر اساس تدارک و بحث و نظر و مناظره و سمینار روی «اختلافات»، برای رسیدن به اتحادی سفت تر سازماندهی شده و شکل بگیرد. این است نگاه ما و از این منظر به ساختار این اتحاد می نگریم. بدیهی است بر مبنای این نگاه می توان بندهای اساس نامه ای آن را تدوین کرد و در این راه ما در خدمت رفقاییم.

مستحکم تر، گسترده تر و فشرده تر باد اتحاد رزمنده نیروهای چپ و کمونیست در مسیر براندازی انقلابی رژیم مذهبی و سرمایه داری جمهوری اسلامی در عبور از سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم با خود حکومتی طبقه کارگر.

با احترام

سازمان راه کارگر

2017/08



سازمانیابی یا آرایش قوای خویش ...

تجربه و تحکیم شود. تئوری باید بتواند سهم خود را در آغازگاه و همراه این عمل معین ادا کند. به این اعتبار میتوان از کار مشترک عملی - نظری در سطح توافقات آغاز کرد و آگاهانه درپروسه سازمانیابی امکان دخالتگری خود نیروهای پراکنده را در سازمانیابی و پاسخ به بحران هموار نمود. توافقات حداقلی هایی هستند که عمل کنونی را به حداقل های تحول انقلابی در جامعه ربط بدهند. تفاوت این شکل از کار مشترک با حزب و اتحاد عمل موردی و جبهه در همین توافقات و پروسه سازمانیابی نهفته است. تفاوت دیگر این شکل از کار در تکامل یابندگی و فرا روندگی آن در پروسه همکاریست. به نحوی که چشم انداز شکل گیری حزب یا احزاب کمونیستی و کارگری نتیجه محتمل آن باشد. این به این معنا نیست که خود به بدیل سوسیالیستی یا به این شکل ها بدل شود بلکه ملزومات شکل گیری این تکامل را تقویت و هموار میکند. یعنی این شکل از همکاری هدفی در خود ندارد و روبه طبقه و مبارزه طبقاتی دارد. کار در افکار عمومی جامعه و سپهر عاطفی جامعه برای ترمیم حس شکست و تایید امکان سازمانیابی و پیروزی است.

مضمون این همکاری توافقاتی پایه ای است که با اتفاق آرا پذیرفته شوند. مثلا در شرایط حاضر و در همکاری نیروهای چپ و کمونیست اصل سرنگونی انقلابی و بدیل سوسیالیستی و راه حل کارگری و شورایی پذیرفته شده است. هر تصمیمی در این مجموعه باید در تناقض با این اصول نباشد. این نخستین اصل اساسنامه ای شکل مناسبی است که قرار است نیروهای پراکنده و متناسب به جنبش کارگری و کمونیستی را

نیاز مبرم از آنجا که علل پراکندگی در نظر گرفته نمی شود موفق از کار در نمی آید و پروسه تشکل یابی بسیار آهسته پیش میرود یا هنوز آغازگاه خویش را نیافته است. از فراخوان برای تشکیل حزب تا جبهه و اتحاد عمل تا همگی پاسخی در خور نمی یابند. عده ای جمع میشوند برنامه ای هم مینویسند و تمام عناصری را که علت عدم اقبال توده ای میدانند از خود میزدایند و با خود میگویند ما که استالین را هم رد کرده ایم، حتی دیکتاتوری پرولتاریا را هم که مشکل آفرین و بد نامی محسوب میشد به کناری نهاده ایم و دیگر سنتی هم نیستیم اما چرا استقبال نمی شویم؟! استحالته آغاز میشود و معجزه اصطلاحات طبقه حاکم در صف نیروهای منتسب به جنبش کمونیستی در بوته آزمایش قرار میگیرد. کارگران با خود میگویند اگر قرار است با کله بورژوا راه برویم خود آنها کارکشته ترند چرا باید دنبال شما بیاییم؟! این طنز غم انگیزی است اما واقعیت دارد. تجزیه دوباره آغاز میشود و پراکنده میشوند. بعضی با پی گیری وزحمات بسیار خود را سرپا نگهدارند و به امید آینده انفعال کنونی را تاب میاورند. دوست داشته باشیم یا نه این شرایط نام دیگری جز بحران ندارد. بی توجهی به بحران حاکم و علل آن چرخه تجزیه را تداوم می بخشد. جنبش کمونیستی دچار بحران است. پراکندگی حاصل از این بحران پاسخی مشخص و منطبق با اهداف و مبارزه طبقاتی میطلبد. پاسخ ها در انزوا و صرفا مطالعه و تئوری نهفته نیست. سپهر عمومی قطب چپ جامعه نیازمند بازیابی و بازسازی باور های خویش است. باور به امکان پیروزی تنها در بعد عملی میتواند

برای یافتن پاسخی مشترک گرد هم آورد. اصل اول که سرنگونی انقلابی است کسانی را در بر میگیرد که با هر تحلیلی اما دولت بورژوایی را پاسخ گوی معضلات اجتماعی و شکاف طبقاتی نمی دانند. انقلابی بودن سرنگونی منوط است به اینکه توسط کارگران و زحمتکشانشان انجام شود و نه با تمهیدات از بالا و سرمایه داری جهانی. سازمانیابی این نیروهای سرنگون کننده و اهداف معین آنها از سرنگونی مستلزم درکی روشن از دولت آلترناتیو است. بدون حداقلی از آگاهی مشترک بر آلترناتیو و چگونگی تدارک آن سخن از سرنگونی انقلابی بی معنا است. اشاره به بدیل سوسیالیستی بدون آگاهی بر حداقل های دولت آلترناتیو راهنمای روشنی برای سرنگونی انقلابی و بدیل را بدست نمی دهد. باید مفهوم بسیار متنوع و غیرقابل جمع از سوسیالیسم رایج را در محدوده ای معین که حداقل ها را توضیح دهد بیان کنیم و آن حداقل اشراف بردولت آلترناتیو است جایی که ما را از سوسیالیسم بورژوایی در حد عمومی ترین جهت گیریها متمایز میکند و به نقطه ای از آینده که اهمیت عملی دارد گره میزند. امکان نقد نظری و عملی از آلترناتیو های بورژوایی را ممکن میسازد. واضح است که این ها بعنوان آغازگاه نقد مطرح میشوند و تنها بدین منظور هستند که ما بتوانیم صف انقلاب کارگری را از سرنگونی طلبان دیگر تشخیص دهیم و سوسیالیسم متعلق به جنبش انقلابی کارگران را مبنای قرار دهیم و نه هر سوسیالیسم یا دولت بورژوایی را. بدون این مرز حداقلی که هنوز بمعنای ارائه درکی روشن و همگانی از سوسیالیسم و بدیل سوسیالیستی نیست ما فقط سرنگونی طلبی را در عمل سازمان داده ایم و بدیل

سازمانیابی یا آرایش قوای خویش ...

سوسیالیستی هیچ نمود روشنی در عملکرد و تبلیغات جمعی ما نخواهند یافت. همین مشخصه است که به همکاری خصلتی تکامل یابنده و پیشرونده میدهد و با تشکل هایی مثل اتحاد عمل و جبهه و حزب و... که به نسبت در بعد نظری و برنامه ای، ایستا و ثابت هستند متمایز میکند. آن نوع تشکل ها نقدا پاسخ جمعی خود را یافته اند و اساسا حول عمل به این یافته ها حرکت میکنند. تشکل مخصوص همگرایی نیرو ها برای غلبه بر پراکندگی ناچار از حداقل های تحول انقلابی بعنوان آغازگاه کار مشترک آغاز میکند. درک مشترک از سوسیالیسم و ملزومات سرنگونی انقلابی و اشکال سازمانیابی متناسب با این اهداف در دستور کار این نوع همکاری قرار میگیرد تا پاسخی مشترک بدست آید. ضرورتی که برای یک حزب یا جبهه یا اتحاد عمل وجود ندارد زیرا بنا به محدوده کار مشترکشان باید از پیش درکی روشن از این مقولات داشته و آنرا تبلیغ کنند. در حالیکه در تشکل متناسب با همکاری نیروهای پراکنده کمونیست دست یابی به درکی جمعی از این مقولات مستلزم کار مشترک و مبارزه ایدئولوژیک است. ما تنها میتوانیم در آغاز بر روی حداقل ها متمرکز شده و از آنجا آغاز کنیم و حداقلی که قطب چپ را از راست متمایز میکند در گرو اعلام مهمترین حداقل هائیت که باید حرکت خود را با آنها آغاز و بسوی دریافت مشترک و تکامل آن نشانه رود. به این دلیل نیروهای مورد خطاب این پروژه باید از طریق این حداقل ها شناسایی شوند. سرنگونی انقلابی و تبدیل سوسیالیستی مستلزم جهت گیری بسوی دولتی از نوع کمون و شوراهاست.

ملزوماتی که مبنای آغاز پروسه پاسخ گویی در عمل و نظر قرار میگیرند. دومین اصل آیین نامه ای ما ناظر بر چگونگی دستیابی به تصمیمات مشترک در عرصه عمل و نظر است. در این موارد تا آنجا که خدشه به توافقات پایه تلقی نشود میتوان با دو سوم آرا امری را تصویب نمود. در نشست چهارم برای برداشتن گامی به جلوتر میتوان اصول پایه را تدقیق نمود و تعریف روشن تری از بدیل سوسیالیستی داد. بعنوان مثال دولتی کارگری از نوع کمون و شوراهای که روی آن مبارزه ایدئولوژیک شده و بنظر میرسد قابل قبول قرارگیرد قدمی جلوتر برای این همکاری محسوب میشود. یقینا تدقیق دولت آلترناتیو می تواند در آینده نیز به نسبت پیشرفت در مبارزه ایدئولوژیک ادامه یابد. اگر این اصل تکامل یابندگی جدی گرفته شود و بستر آن عمل مشترک و مبارزه ایدئولوژیک عمومی و علنی در سطح جنبش گسترش یابد، پیامد آن میتواند سازمانیابی و مقدمات نظری مشترک یا زبان مشترک بین نیروهای پراکنده چپ و کمونیست باشد. بهر میزان که مبارزه نظری و همکاری عملی عمق یابد زمینه برای سازمانیابی پیشرفته تر فراهم میشود. همکاری از این دست سالهاست بعنوان بدیل پراکندگی در سطح جهان مطرح میشود و همگرایی دیرگامیست پروسه خود را آغاز کرده است. در کنار دیگر راهکارها که عمدتا شناخته شده هستند این نوع همکاری در نخستین نگاه با اقبالی وسیع روبرو بوده است اما متأسفانه بیشتر این همکاریها معطوف به دولت آلترناتیو نمی شود. مثلا همکاریهایی مثل سیریزا و پودموس یا 99 در صدی ها و در اشلای پایین

تر پارک گزی و..... عمدتا در سطح اصلاحاتی تحت نام چپ در وضعیت موجود بوده اند. تلاش آنها برای دخالتگری و بسیج توده ای علیرغم وسعت اما موفق نبوده است. در سوئد نیز نیروهای چپ عمدتا حول مقابله با ریاضت اقتصادی و دفاع از دستاورد های گذشته نیرو های پراکنده چپ را سازمان میدهند. گروهها و تشکل هایی که سالها از هم دوری میکردند اکنون حاضر به همکاری هستند. اما علل شکست این پروژه ها نداشتن توافق و زبان مشترک در عرصه دولت آلترناتیو است. آگاهی و برنامه برای دست کم حداقل های تحول در شرایط کنونی صرفا امری مربوط به آینده نیست بلکه پروسه تدارک و بزیار کشیدن دولت کنونی را تحت الشعاع قرار میدهد. عناصر دولت نوین در بطن تدارک و مبارزه علیه دولت کنونی شکل میگیرند. روند سرنگونی در شکل گیری آلترناتیو کاملا دخیل است. اگر کارگران و زحمتکشان در پروسه سرنگونی و پیش از آن متشکل نشوند سخن از دولتی کارگری بی زمینه میشود. سرنگونی انقلابی معنایی جز این ندارد. این مبانی و هر تلاش دیگری برای آنست که عمل مشترک آگاهانه در مسیر تحول انقلابی در جامعه میسر شود. رفقای هستند که می گویند یا همه ابعاد سوسیالیسم طرح و مورد توافق قرار گیرد یا برخی مشخصه ها بی فایده است. آنها توجه نمی کنند که علت پراکندگی عدم انکشاف نکات مشترک است و اشاره به کارگری و شورایی بودن یا از طراز کمون بودن دولت راستای دوران تدارک و سرنگونی را مشخص میکند و سایر ابعاد باید در بحث نظری روشن شود.

بطور خلاصه همکاری نیروهای چپ و کمونیست باید حداقل های زیر

سازمانیابی یا آرایش قوای خویش ...

را داشته باشد تا بتواند در پروسه همکاری و سازمانیابی نیروهای پراکنده موثر واقع شود.

1 - مبانی پایه ای مبنی بر حداقل های تحول انقلابی در جامعه را به اتفاق آرا قبول کرده باشد

در حال حاضر از نظر ما آن فورمولبندی مبنای حداقل تحول انقلابی در ایران است که محتوای این سه اصل را در خود داشته باشد. سرنگونی انقلابی، بدیل سوسیالیستی و دولتی از طراز کمون و شوراهای.

2 - در مبارزات روزمره کارگران و زحمتکشان و جنبش های اجتماعی دخالتگر باشد به نحوی که مبارزات روزمره در خدمت استراتژی قرار گیرند و استراتژی در مبارزه جاری منحل نشود . یعنی با رفورمیسم از یکسو و با رادیکالیسم منفعل از سوی دیگر مرزبندی کند . این مرز بندی فقط بارعایت نقش استراتژی در مبارزات جاری تامین میشود.

3 - مبارزه نظری حول ملزومات انقلاب را در سطح علنی و درونی سازمان دهد.

4 - هدف همکاری را دستیابی به سطوح بالاتر همگرایی از کانال مبارزه نظری و عملی بداند

5 - به جز مبانی پایه تصمیمات دیگر را ترجیحا با اتفاق آرا یا حداقل با دوسوم آرا پیش برد تا عمل با موانع کمتری روبرو باشد. در عین حال حق اقلیت را روشن کرده و به رسمیت بشناسد به نحوی که اقلیت بروز بیرونی و علنی یافته و راههای این تشخیص معین باشد.

6 - هیچ تصمیمی نباید مبانی پایه را نقض کند.

دو نکته مهم 1-

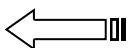
تصمیم گیری بر اساس اشتراکات

پاره ای رفقا معتقدند همه تصمیمات باید با اتفاق آرا گرفته شود این روند در تجربه عملی حاصلی جز حق و تو برای تنها مخالف تصمیمات نداشت و عجیب اینکه همین جریان بود که تصمیمات را با گرایش خود تنظیم میکرد و هر نوع مخالفت را وتو میکرد . بر اساس این روش همه باید پا بگیرند تا آن گرایش آمادگی لازم را پیدا کند . در حالیکه همه واقف هستیم که سلیقه ها و تبیین های مختلفی وجود دارد . تنها موردی که نیاز به اتفاق آرا دارد مبانی همکاریست در سایر موارد دو سوم آرا در کنار حق اقلیت حرکت مجموعه را بسوی قطب بندی تسریع میکند و اصولا منشا حرکت میشود و پیشرفت گرایشات مختلف به سمت نتیجه گیری را تسهیل میکند. قرار نیست و ممکن هم نیست ما همیشه بر مبنای اتفاق آرا حرکت کنیم. در عوض ما باید کمک کنیم که اقلیت امکان بروز یابد و اگر ممکن است به توافق برسیم. حالت های موجود در بین ما نمی تواند از این موارد بیشتر باشد. یا متفقا بر سر موردی اشتراک داریم که اتفاق آرا است یا اختلاف چنان زیاد است که به دوسوم هم گره کار گشوده نمی شود یا آنکه امکان توافق وجود دارد که اتفاق آرا را بمعنای توافق میتوان فهمید. ما اگرچه اشتراک داشتن و به توافق رسیدن را ترجیح میدهم اما باید در موارد اختلاف اگر اکثریت به دو سوم میرسد و امکان توافق هم نیست زمینه های طرح نظر اقلیت را فراهم و نظر اکثریت قوی را بعمل در آوریم . البته منهای مورد اصول پایه که اتفاق آرا ضروری است. دادن حق و تو به اقلیت یک سوم ، تکامل حرکت را متوقف و به اقلیت

وابسته میکند و چهره بیرونی این همکاری را با گرایش اقلیت آرایش میدهد . هیچکدام نباید دیگری را منتفی کنند . نه اقلیت و نه اکثریت بلکه باید چهره واقعی این همکاری با نمود بیرونی گروه بندیهای درونیش همراه باشد.

2- استراتژی روی ویلچر

موضع گیری بر سر مبارزات روز مره عمدتا دو گرایش را عیان میکند . گرایش رفورمیستی و اصلاح طلب که علیرغم هر ادعایی اصلاح نظم موجود را پیش میبرد و با استراتژی بیگانه است دیگری رادیکالیسم منفعل که نقشی برای خود در مبارزات روزمره قائل نیست و بجرم دوری مبارزات روزمره از استراتژی آنرا نفی میکند . سایت های اینترنتی حول مبارزات جاری پر از مثال برای این دو سبک کار است که هر دو در یک جا یعنی بی تاثیری در عرصه مبارزات جاری و عدم تدارک زمینه های تحقق استراتژی میخکوب میشوند . اگر چه رفورمیسم با سرو صدای بسیار اما هیچ کاری بمعنای استراتژیک در پیش ندارد و نمی کند ، رادیکالیسم منفعل با سکوت یا پز رادیکال صحنه را پر میکند . استراتژی روی ویلچر تصویر گویای این فریاد هاست. ما باید بتوانیم با حفظ استقلال و شعارهای مناسب که زمینه را برای استراتژی هموار میکند فعال شویم . مثلا از دخالتگری در سازمانیابی کارگران بر سر مبارزه برای دستمزد بستری برای سازمانیابی و تدارک سرنگونی انقلابی را در نظر داشته باشیم یا در مبارزات جاری با شعار مستقل و حرکت مستقل شرکت کنیم.



سازمانیابی یا آرایش قوای خویش ..

مبارزه ایدئولوژیک

بحران جنبش کمونیستی خود را در پراکندگی نیروهای چپ و کمونیست بروز داده است. پاسخ به این بحران نیازمند بازسازی و اقدام عملی در تطابق با ملزومات جنبش کارگری بر علیه سرمایه است. این روند ممکن نیست مگر آنکه از جمله بستر مبارزه ایدئولوژیک هموار و عمل مشترک مقدور شود. بررسی فرصتها و موانع این پروسه از کانال ایجاد بستری برای مشارکت عملی و نظری در مبارزات جاری فراهم میشود. اهمیت مبارزه ایدئولوژیک در این شرایط معین بعنوان یکی از اهرمهای حل بحران و کشف نقاط مشترک و هم‌زبانی برای عمل و در عمل فهمیده میشود. مقایسه ای بین این ضرورت و شرایط حاکم بر مبارزه ایدئولوژیک عمق فاجعه بار این کمبود مهلک را نشان میدهد.

تاریخ سراسر تلخ «مبارزه ایدئولوژیک» در چپ ایران با عواقب خسارت بار برای چپ در فضای شکست های پی در پی در اثر عدم تطابق با ملزومات مبارزه جاری علیه سرمایه و واکنشی انفعالی و پاسیو ایجاد کرده است. موشهای مودی احتیاط را بجان شریان حیاتی چپ یعنی مبارزه ایدئولوژیکش انداخته است. با کمال حسن نیت از مبارزه ایدئولوژیک تن می زنیم زیرا آنرا نوعی دعوا و امری بیهوده تلقی میکنیم. نقش آگاهی خوار میشود و اکونومیسم و رفورمیسم یا تن دادن به جریان حوادث جای برخورد فعال و دخالتگر را میگیرد. این روح سوسیال دموکراتیک بر حرکت حاکم شده است. ممکن نیست نقدی را آغاز کنی که طرف مقابل آنرا آغاز یک جنگ علیه خویش تلقی

نکند. و بجای دفاع از نظراتش دفاع از خود را با هر وسیله ممکن بمیان نیاورد. . پیش برد منافع فرقه ای بجای کنکاش در واقعیات و شرایط اجتماعی، «بستر» مبارزه ایدئولوژیک «قرار میگیرد و پیش داورها اسناد معتبر جازده میشوند. فرعیات جای موضوع اصلی نقد قرار میگیرد انسان که دنبال کردن مسئله مورد بررسی غیر ممکن میشود. برانگیختن احساسات و لجن مال کردن جایی برای درک اختلاف واقعی نمی گذارد. و... چنین مبارزه ایدئولوژیکی همان بهتر که انجام نشود. احتیاط و سکوت در مقابل ادعاهای تو خالی و خود غرض، محصول و واکنشی انفعالی به چنین فضایی است.

برای فائق آمدن بر این فضا و آغاز به فراروی از بحران باید حداقل های لازم برای یک حرکت پیشرونده را در بستری ضد سرمایه فراهم نمود. پیشرونده به این معنا که حرکت آغاز و انجامی دارد که با طی مسیر در عمل و نظر متکامل تر میشود و در نهایت به سازمانیابی نیروهای پراکنده و پاسخ به ملزومات آن نائل میشود. و ضد سرمایه به این معنا که آلترناتیو های بورژوازی را افشا و طرد میکند و خواهان دولتی کارگری یا دولتی از طراز کمون و شوراها است. این آغاز گاه در پروسه عمل و نظر مشترک به سازمانیابی و برنامه مشخص تر و سازمان یابی گرایشهای متعدد می انجامد. مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته جزء جدایی ناپذیر این پروسه است. بر این اساس یکبار دیگر اهمیت این اهرم برای درک شرایط و تکامل آلترناتیو کارگری در عمل و نظر عیان میشود. وظیفه مبارزه ایدئولوژیک صرفا بررسی متون یا آثار

کلاسیک و دعوا بر سر آنها نیست بلکه بستر این مبارزه باید شرایط کنونی و راه تغییر آن باشد. حفظ سلامت این مبارزه تدوین جزوه های اخلاقی نیست. بلکه مشروط کردن آن به تحلیل مشخص از شرایط مشخص و نقد دیدگاههای دیگر با مراجعه مستند به همین شرایط است. نقل تجربیات گذشته و اصول حاکم بر حرکت اجتماعی نیز در تطابق با شرایط کنونی راهگشا است و گرنه به نقل اصولی نامرتبط یا مرده پرداخته ایم. نقدی که حاوی این مشخصه محوری نباشد، همه چیز هست جز نقد. ما به نقد و مبارزه ایدئولوژیکی از این دست نیازمندیم. اگر نوشته های خود را در مجموعه همکاری نیروهای چپ و کمونیست با این معیار بررسی کنیم به عقیده من از این هدف گاه بسیار دوریم. مثالهای بسیاری وجود دارد که به خاطر شیوع این عارضه در جنبش چپ یقینا با این موارد همه آشنا هستیم و از آن میگذرم..

سعید سهرابی 091016